

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۳۹۷ (صص ۵۲-۳۱)

عبرت‌های عاشورایی در ادب آیینی معاصر

۱- فاطمه الهامی ۲- عبدالغفور جهان‌دیده ۳- علیرضا میر

چکیده

نهضت عاشورا یکی از مهم‌ترین وقایع زنده و پویای تاریخ اسلام است. بسیاری از شاعران و سخن‌وران در سروده‌های خود با تأثیر از آن، جان‌های تشنه‌ی مشتاقان و طالبان حق را سیراب نموده‌اند؛ به طوری که امروز ما با اقبال گسترده‌ی شاعران در ادبیات عاشورایی مواجه هستیم. با توجه به اینکه نهضت عاشورا بر مبنای اختلاف در دو نگرش حق و باطل شکل گرفته است؛ بنابراین ماهیت این واقعه تبیین مرز خوبی‌ها و بدی‌هاست و نشان از رویارویی چهره‌ی حسینی در مقابل چهره‌ی یزیدی دارد. شاعر معاصر که شاعری آگاه و ژرف‌بین است و زوایای این نگرش‌ها از نگاه تیزبین او مغفول نمانده است، به درستی سعی در بیان اثبات حق‌طلبی حسین(ع) و دنیاطلبی یزید در شعر عاشورایی دارد. مقاله حاضر به بررسی مفاهیم مثبت و منفی در دو جبهه حق و باطل می‌پردازد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. پرکاربردترین مضمون عبرت‌های عاشورایی شهادت-طلبی، بصیرت، عدالت و احیای دین است که به ترتیب بیشترین تأثیر را بر شاعران مورد مطالعه داشته است و اسرافیلی، ژولیده، حسینی، حمیدزاده و باقری بیشترین میزان عبرت‌های عاشورایی را در شعر خود به کار برده‌اند.

کلید واژه‌ها: پند و عبرت، عاشورا، ادبیات معاصر، شعر آیینی.

۱- مقدمه

حماسه و نهضت خونبار امام حسین(ع) یکی از تأثیرگذارترین قیام‌های سیاسی و الهی تاریخ

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار (نویسنده مسئول) Email: elhami@cmu.ac.ir

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار Email: jahandide@cmu.ac.ir

۳- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی پردیس دانشگاه سیستان و بلوچستان واحد چابهار Email: alireza_mir58@yahoo.co

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۲

بشر است. «عاشورا تجلی‌گاه شرافت انسانی و کرامت‌های اخلاقی است... و کربلا قبله‌گاهی است تا همواره آزادمردان تاریخ روی خود را به سوی آن بگردانند و با تربت پاک کربلائیان نماز عشق و ایثار و شهادت بخوانند» (دانش، ۱۳۸۸: ۴-۱۶۳). توجه و اهمیت به ابعاد مختلف عاطفی، تربیتی، سیاسی و آموزه‌های اخلاقی آن که در طول تاریخ همواره چراغ راه و کشتی نجات بشریت برای رسیدن به تعقل و بصیرت است، زمینه‌ساز یک مکتب و نهضت ادبی در عالم شعر و ادب فارسی گردید که از آن به ادبیات مذهبی، آیینی و عاشورایی تعبیر می‌شود و مبنای شکل‌گیری اشعار مختلفی از نوع مرثیه، تعزیه، مدح، حماسه و اشعار سیاسی و اجتماعی در خصوص وقایع عاشورا گردیده است. این نوع ادبی در ادبیات کلاسیک ایران با موضوع رثا، تعزیه و مدح رواج یافت و در ادبیات معاصر نیز بسیاری از شاعران با رویکرد حماسی، تربیتی و سیاسی به بیان عبرت‌های عاشورایی در ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

واقعۀ عاشورا در ماهیت خود تعیین‌کننده مرز خوبی‌ها و بدی‌هاست؛ در واقع رویارویی دو جریان حقی‌طلبی حسینی و دنیاطلبی یزیدی باعث شکل‌گیری این نهضت گردید. مقاله حاضر با بررسی عبرت‌های عاشورایی در ادب آیینی معاصر با انتخاب هشت شاعر از چهار دهه شصت، هفتاد، هشتاد و نود به عنوان شاخص، برآنست تا به این سؤالات پاسخ دهد که روند تحول عبرت-های عاشورایی در شعر شاعران مورد بحث دهه‌های مورد نظر چگونه است؟ شاعران چگونه با مرزبندی دو قطب مخالف در شعر خود راه روشن و تاریک را برای مخاطب تبیین کرده‌اند؟ پرکاربردترین مضمون عبرت‌های عاشورایی در شعر شاعران مورد مطالعه کدام است؟ از میان شاعران مورد مطالعه، کدام یک به عبرت‌های عاشورایی بیشتر توجه داشته است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

تحلیل و بررسی ابعاد دوگانه عبرت‌های عاشورایی در شعر آیینی معاصر به ما کمک می‌کند تا به شناخت دقیقی از زوایای پنهان در قیام عاشورا دست یابیم. توجه به این جنبه از شعر عاشورایی خواننده را به درک عمیقی از وجود دو قطب مخالف دعوت می‌کند تا با دریافت آموزه‌های تربیتی از یکسو، نیت‌های پلید دشمن را نیز بشناسد و با بازخوردی موثر بهتر بیندیشد، قضاوت کند و عبرت بگیرد. همچنین شاعر با قراردادن مخاطب در موقعیت خاص کربلا، پیوسته می‌خواهد این

قیاس در زندگی روزمره، آنگاه که در دو سوی حق و باطل قرار می‌گیرد، پیش روی او باشد تا از آن عبرت بگیرد و الگوی عملی او در زندگانی باشد.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوا انجام شده است که مبانی نظری تحقیق با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و منابع اصلی شامل آثار شاعران مورد نظر در موضوع عاشورا مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. داده‌های مورد بررسی این مقاله از شعر هشت شاعر معاصر فارسی‌زبان و مطرح در شعر عاشورایی در چهار دهه انتخاب شده است: دهه شصت: موسوی گرمارودی و سیدحسن حسینی (با اثر هم‌صدا با حلق اسماعیل)؛ دهه هفتاد: حسن ژولیده و سیدحسن حسینی (با اثر گنج‌شک و جبرئیل)؛ دهه هشتاد: حسین اسرافیلی و احمد حمیدزاده؛ اوایل دهه نود: عباس باقری و سعید بیابانکی. ملاک انتخاب ما این است که این شعرا اشعاری مستقل در یک جلد و بیشتر در زمینه ادبیات آیینی و عاشورایی دارند و آثار منتخب آنان در همان دهه مذکور به چاپ رسیده است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های کلی در حوزه عاشورا و ادبیات عاشورایی فراوان است: کتاب «عاشورا در آینه شعر معاصر» از نرگس انصاری به بررسی، تحلیل و مقایسه شعرهای عاشورایی فارسی و عربی در زمینه محتوایی و ادبی و زبانی پرداخته است. کتاب «آینه در کربلاست» از محمدرضا سنگری پژوهشی نو در بازساخت نهضت عاشورا تلقی می‌شود و در بخش‌هایی از کتاب به شکل‌گیری دو چهره حسینی و یزیدی در عاشورا، اشاره تاریخی کرده است. همچنین مقاله «تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعی» از سیدی و استادی در فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی به بررسی شعر عاشورایی عربی پرداخته است. مقاله «بررسی شعر عاشورایی در دو ادب فارسی و عربی با تکیه بر شعر شهریار و جواهری از مقدسی و بهشتی به مقایسه مفاهیم شعر عاشورایی این دو شاعر می‌پردازد. مقاله «انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه‌های شعر دفاع مقدس» از نظری و جعفرنیا به جلوه‌های حماسی عاشورا و اثرگذاری آن بر شعر دفاع مقدس نظر دارد. تکیه اغلب پژوهش‌ها بر مقایسه مفاهیم مثبت و ارزشی عاشورا در شعر فارسی و عربی است و مقاله آخر ویژگی‌های حماسی عاشورا را با شعر دفاع مقدس مقایسه نموده است؛ اما در خصوص نگرش دوسویه به جنبه‌های حق

و باطل که زمینه‌ساز قیام عاشورا شده و شاعر آیینی معاصر آگاهانه بدان اشاره می‌کند، تاکنون تحقیق مبسوطی انجام نشده است.

۲- بحث

۱-۲- عبرت‌های عاشورایی

عبرت در معنای پندگرفتن (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل عبرت)، موجب بیداری و آگاهی انسان می‌شود. عبرت اختصاص به حالتی دارد که «در جریان آن معرفتی ظاهری و مشهود، وسیله و پلی برای درک معرفت باطنی و غیرمشهود قرار می‌گیرد» (اصفهان‌ی، ۱۳۶۳: ذیل عبرت)؛ حالتی که شخص با دیدن و حضور یافتن نزد آنچه دیدنی است، به پیامی نایافته دست پیدا می‌کند و بر این اساس دگرگونی درونی و معنوی می‌یابد که آماده پذیرش پیام و محتوای موجود در ژرفای آن حادثه گردد. تاریخ و حماسه عاشورا آموزه‌ها و پندهای تربیتی، سیاسی و اخلاقی بسیاری دارد و از دو بخش عبرت‌آموز تشکیل شده است: یکی بیانگر سیره و تفکر حسینی(ع) و دیگری نشان‌دهنده اندیشه موهوم یزیدی می‌باشد. اندیشه و تفکر حسینی(ع)، صاف، زلال و روشن است و بیانگر صراط مستقیم و شاهراه هدایت بشر است؛ اما دیدگاه شوم یزیدی، تاریک، دلخراش و مطرود می‌باشد. علامه مطهری به این دو بخش عبرت‌آموز اشاره کرده است: «کربلا دو صفحه سیاه و سفید دارد. در صفحه سیاه حادثه کربلا جنایت و تراژدی هست؛ مصیبت و رثا است و قهرمان آن یزید، عبیدالله و عمر سعد است؛ اما کربلا یک صفحه سفید هم دارد که جنایت و تراژدی نیست، بلکه حماسه است، افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت، انسانیت و حق پرستی است و قهرمان آن حسین(ع) است» (مطهری، ۱۳۶۳: ۵-۱۲۳). سنگری نیز به این مرزبندی قائل است و کربلا را عرصه نمایش دو چهره از انسان می‌بیند: «چهره‌ای سیاه که محصول رذیلت‌هایی چون ترس، جهل، آزمندی، قساوت، دنیاطلبی، خودمحموری و بیدادگری است و چهره‌ای سپید و روشن که محصول فضیلت‌هایی چون اخلاص، صفای باطن، بصیرت، وارستگی و از خودگذشتگی است و ما همواره در تبیین و تحلیل درون خود باید بپرسیم در کدام سوی این میدان ایستاده‌ایم» (سنگری، ۱۳۸۸: ۱۳۹). بر این مبنا عبرت‌های عاشورایی در جبهه حق و در راستای فضیلت‌های حسینی درس آزادگی، شهادت‌طلبی، عدالت‌جویی و... می‌دهد و در جبهه باطل، در کنار رذیلت‌های یزیدی از ذلت و بندگی، جهل، دنیاطلبی و... برحذر می‌دارد. این مرزبندی تنها مربوط به قیام عاشورا نیست؛ بلکه معیاری است که مرز حق و باطل را تا قیام

قیامت پیش چشم ما به تصویر می‌کشد. به همین جهت «عاشورا همواره زنده و زاینده است. چشمه‌ساری است که بر همه زمین‌ها و زمان‌ها می‌گذرد و کام تشنگان فضیلت و حقیقت را به جرعه‌هایی زلال و حیات‌بخش می‌نوازد» (همان: ۱۰). حادثه عاشورا با ارزش‌های متعالی و مفهوم حیات هدفدار، انگیزه مبارزه بر حفظ کرامت انسان و نفی سلطه ستم در انسان‌ها را ایجاد کرد و به عنوان یک مکتب در هنر و ادبیات جایگاه ویژه‌ای یافت.

۲-۲- ادبیات آیینی معاصر

یکی از مقوله‌های مهم در ادبیات آیینی شعر عاشورایی است. «شعر عاشورایی، شعری است که در مقام تبیین مقولات ارزشی این نهضت الهی است و متعهدانه حول محور مسائل زیربنایی آن حرکت می‌کند» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۴۸)؛ شعری که «با تعهد به ارزش‌های والای امام حسین (ع) در اصلاح امت، برقراری عدالت و مبارزه با ظالم، همواره شعری هدفمند بوده و آشکار و پنهان به دنبال تحقق اهداف نهضت ایشان، گاه با چالش کشیدن حکومت ظالمان پایه‌های ظلم را با تهدید روبرو ساخته است» (انصاری، ۱۳۸۹: ۲۹). محدثی شعر عاشورا را نقد حاکمان غاصب و احیای مفاهیم زندگی‌ساز دین و نشر ارزش‌های ماندگاری می‌داند که زیربنای فداکاری و جهاد و جانبازی در راه عقیده است؛ لذا به تعبیر او شعر عاشورا انتقال‌دهنده فرهنگ شهادت بوده است (محدثی، ۱۳۸۳: ۱۷). از آنجا که فلسفه قیام عاشورا مقاومت در مقابل ظلم و ستم حکومت زمان بود، گفته شده: «ادبیات عاشورایی پیوند خورده با ادبیات مقاومت و پایداری است» (رضوانی، ۱۳۸۷). بر این اساس می‌توان دریافت که شعر عاشورایی بیش از آنکه بیانگر احساس و عواطف فردی و جمعی شاعر با درون‌مایه عشق و اظهار ارادت به قهرمانان عرصه عاشورا و نفرت و انزجار از جنایت‌کاران این قیام باشد، شعری متعهد است و ضمن ارزش‌گذاری به قیام اباعبدالله (ع)، گاه در توصیفی نمادین بیانگر رشادت‌ها و دل‌آوری‌های قهرمانان ملی و مذهبی است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را شعری حماسی و نمادین خواند. از سوی دیگر با آموزه‌های تربیتی و اخلاقی فراوان، به واسطه اندرزهایی که در توصیف و تحلیل جبهه حق عرضه می‌کند، شعری تعلیمی است و آنجا که نمود مقاومت امام و یارانشان در برپایی حق مقابل ظلم و ستم است، به ادب پایداری ختم می‌شود؛ لذا شعر عاشورایی با شعر حماسی، تعلیمی، نمادین و ادب پایداری ارتباط و پیوندی ناگسستنی دارد. امروزه نیز شاعران معاصر بیشتر به ابعاد اجتماعی-سیاسی نهضت مقدس عاشورا نظر دارند و در کنار سروده‌های پرسوز و نوحه‌های جانگداز بر مصائب سیدالشهدا (ع) و یاران آن

حضرت، بعد حماسی و انقلابی آنرا مورد توجه قرار داده، به جنبه آگاهی‌بخشی سیاسی قیام عاشورا اشاره کرده‌اند. به گفته مقدسی «وجود روح حماسی در شعر عاشورا کلیدی برای مبارزه علیه ظلم و ستم گردیده و همین امر مبدأ و سرآغاز رستاخیزی در ادب عاشورایی شده است» (مقدسی، ۱۳۹۱: ۶۰). بر این اساس عناصری چون ذلت‌ناپذیری، عزت نفس، ظلم‌ستیزی، افشای ستم و برقراری عدالت با الهام از آزادگان مکتب عاشورا از جمله محورهای عمده سروده‌های انقلابی و سیاسی شاعران معاصر در تعلیم و تهذیب نفس بوده است. «ژولیده» می‌گوید:

حسین آمد که انسان از قیامش از اول درس تا آخر بگیرد
(ژولیده، ۱۳۷۸: ۱۳۹)

۳-۲- عبرت‌های عاشورایی در شعر معاصر

اثرگذاری و درک عمیق آموزه‌های تربیتی و ارزش‌های مثبت در عاشورا در صورتی محقق می‌شود که نگاهی به چهره یزیدیان و عملکرد آنان داشته باشیم. در واقع آزادگی حسین(ع) سبب مقاومت سرسختانه ایشان در برابر ذلت‌پذیری یزیدیان است. شهادت‌طلبی، حق‌گرایی و بصیرت در مقابل دنیا دوستی، مصلحت‌طلبی و غفلت هواخواهان یزید ارزش حقیقی خود را بهتر نشان می‌دهد و اساساً این ارزش‌ها در قیام عاشورا، هویت تازه‌ای در کنار عملکرد یزیدیان می‌یابند. به همین جهت مفاهیمی چون «آزادگی، ایثار و فداکاری، وفا و جوانمردی و صبر و شکیبایی ارزش‌هایی هستند که با قیام عاشورایی جان دوباره گرفته و با تأثیر از شعر عاشورایی به آن غنا و تازگی و طراوت داده شده است» (سیدی، ۱۳۸۸: ۱۶۷). شاعر آیینی با محور قرار دادن اندیشه حسینی در برابر تفکر یزیدی به تقابل آزادگی و ذلت، بصیرت و جهالت، ترک دنیا و دنیا طلبی، شهادت‌طلبی و رویای صله و... می‌پردازد و عبرت‌های عاشورایی حاصل تضارب این دو تفکر است. با مقایسه این دو قطب متضاد در شعر آیینی، مخاطب به نوعی آگاهی باطنی دست می‌یابد که می‌تواند مسیر حق از باطل را تفکیک کند و از حاصل کار عبرت بگیرد. گرمارودی چه زیبا خون حسین(ع) را معیاری برای جدایی حق از باطل توصیف می‌کند: «شمشیری که بر گلوی تو آمد/ هرچیز و همه چیز را دوپاره کرد/ هرچه در سوی تو، حسینی شد/ و دیگر سو یزیدی/ ... خونی که از گلوی تو تراوید/ هرچیز و همه چیز را در کاینات به دوپاره کرد/ در رنگ! اینک، هرچیز یا سرخ است/ یا حسینی نیست» (گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۴۰).

۱-۳-۲- آزادگی در مقابل ذلت و بندگی

آزادگی و عزت‌مندی نقطه کمال روح انسان است و امام حسین(ع) و یاران پاکبازشان مصداق بارز و کامل رسیدن به این درجه و مرحله هستند؛ لذا یکی «از مهم‌ترین درس‌های نهضت کربلا و از الفبای نخستین فرهنگ عاشورا، آزادگی و تن ندادن به ذلت است. گاندی مصلح بزرگ هند گفته است من برای هند، چیز تازه‌ای نیاوردم. فقط نتیجه‌ای را که به دست آورده بودم، ارمغان ملت هند کردم. اگر بخواهیم هند را نجات دهیم، واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی(ع) پیمود» (محدثی، ۱۳۸۵: ۱۱). عزت‌مندی و آزادگی از دستاوردهای جهانی نهضت عاشورا است. به تعبیر «ژولیده» مکتب حسین(ع) درس آزادی و عزت را به هفتاد و دو ملت می‌دهد:

در این مکتب به هفتاد و دو ملت دهد سر خط آزادی و عزت
(ژولیده، ۱۳۷۶: ۲۶۲)

سخن کوتاه، اما ارزشمند امام حسین(ع) در لحظات پایانی عمر شریفشان در کربلا هنگام حمله دشمن به خیمه‌ها که فرمودند: «یاشیعه آل ابی سفیان ان لم یکن لکم دین وکنتم لاتخافون المعاد فکونواحراراً فی دنیاکم» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۲۰). ای پیروان ابوسفیان اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید، به قدری پرمعنا و پرمفهوم است که تا دنیا دنیاست، به همه جهانیان و آزادی‌خواهان عالم درس آزادگی، غیرت و جوانمردی می‌دهد. «موسوی گرمارودی» اعتبار شرافت را در جاری شدن خون حسین(ع) می‌داند: «خون تو شرف را سرخگون کرده است» (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۳۹) و «باقری» با اغراقی زیبا، شرافت و آزادگی را بویی از نام عباس(ع) علمدار عاشورا می‌داند:

تو چه کردی مگر ای فضل جلی که شرف نام تو را بو کرده...؟!
(باقری، ۱۳۹۰: ۳۰)

«حسینی» نیز آزادگی حسین را در بیان زیبایی استعاره به تصویر می‌کشد:

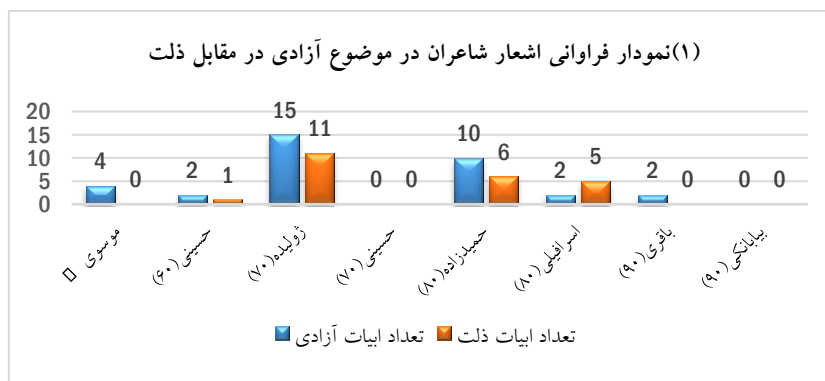
عیسی چو رسید خلق مسرور شدند تا زد نفسی، رها از آن گور شدند
(حسینی، ۱۳۸۳: ۱۱۴)

در مقابل، ذلت و بندگی از خصایص مذمومی است که محصول قدرت‌طلبی، دنیادوستی و خودخواهی است. «حمیدزاده» با بیانی ساده، به مرزبندی و صف‌آرایی مفاهیم عزت‌مندی، استقلال

و آزادی در مقابل ذلت و ریا و شیادی می‌پردازد تا با رویارویی حقیقت در برابر باطل و تفکیک راه حسین(ع) از یزید، به تبیین این موضوع بپردازد که این دو جریان و تفکر مخالف عبرت‌آموز چگونه منجر به حادثه عاشورا می‌شود. نکته‌ای که «اسرافیلی» هم آگاهانه بدان اشاره دارد:

ره حسین ره عزت است و استقلال
حسین تا به ابد پیشوای آزادی است
ره یزید ره ذلت است و بدکاری
یزید راه‌گشای ریا و شیادی است
(حمیدزاده، ۱۳۰: ۱۳۸۴ و ۱۴۲)

پیش‌گیرید از فروافتادگان
لااقل در این جهان ننگ و نام
شویه آزادی و آزادگان
مرد باشید! ای سیه‌کاران شام
(اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۸۱)



در نمودار بالا بیشترین سهم در موضوع آزادی به ژولیده و حمیدزاده اختصاص دارد. بسامد اشعار ژولیده، حمیدزاده و اسرافیلی در موضوع ذلت بیشتر است و کمترین سهم به شاعران دهه شصت و نود اختصاص دارد.

۲-۳-۲- احیای دین در مقابل رواج بی‌دینی

خداجویی حسین(ع) در مقابل شیطان‌پرستی یزید یکی از مهمترین عوامل قاطعیت امام در رویارویی با دشمن است. «احیای دین اسلام و نظام تربیت نبوی مهمترین دستاورد قیام عاشورا است. در حقیقت عاشورا فشرده‌ای از برنامه تربیتی اسلام است. نهضت عاشورا اسلام راستین را که با سیاست‌های اموی در خطر نابودی قرار گرفته بود، احیا کرد» (دانش، ۱۳۸۸: ۱۵۵). حسینی این

مفهوم را بسیار زیبا در بیان استعارای خویش می آورد: «از خاک سجده های سرخ / گلدسته ای فوران کرد / ... و آفتاب / بر سرنوشت مبهم محراب / روشنگرانه تابید.» (حسینی، ۱۳۷۱: ۶-۷۳). به تعبیر ژولیده هدف امام از قیام، ترویج دین محمدی و دفع ظلم و تبه کاری بود.

مانند جدش مصطفی ترویج دین داری کند مثل علی مرتضی دفع تبه کاری کند
(ژولیده، ۱۳۷۸: ۱۴۳)

از جاری ایمان تو می نوشد، آب در فصل عطش جنگل انبوه قیام
(حسینی، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

ایستادگی و پافشاری امام در جهت تحقق این هدف آرمانی زمانی قوت می گیرد و عبرت همگان می شود که بنی امیه به رواج بی اعتقادی و لابیگری در بین مردم پرداختند و با ترغیب آنان به دنیاپرستی و شهوت رانی آتش فروز خیمه اسلام شدند:

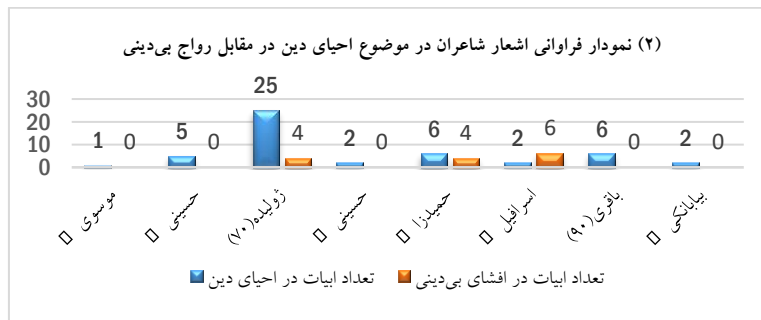
آتش فروز خیمه اسلام گشته اند قومی که دشمنند به ناموس مسلمین
(حمیدزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

«اسرافیلی» با مرزبندی دو جبهه حق و باطل خواننده را به چالشی فرامی خواند که بداند بی - اعتقادی و عدم توجه به مبانی اسلام با سردمداری شیطان یکی دیگر از عوامل عبرت آموزی است که واقعه عاشورا را رقم می زند:

آن طرف، بر نفس ها شیطان، امیر این طرف، خون خداشان دستگیر
(اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۴۷)

به یاری امام حسین (ع) نهضت درخشان عاشورا برای رفع همه موانع و آلودگی های رایج در عصر یزید پا گرفت تا با ایستادگی و مقاومت امام و یارانشان در مقابل ستم که گواه روح استوار و ایمان سترگ آنان بود، چهره زیبای اسلام حقیقی به مردم معرفی شود (دانش، ۱۳۸۸: ۱۵۵). به تعبیر «بیابانکی» امام با طراوت به احیای باغ مذهب پرداخت:

کشاند کرب و بلا را به شام و بام فلک هزار فصل طراوت به باغ مذهب ریخت
(بیابانکی، ۱۳۹۱: ۳۷)



در نمودار بالا بیشترین تعداد اشعار به ژولیده اختصاص دارد و پس از آن با اختلاف قابل توجهی میزان فراوانی در شعر حمیدزاده، باقری و حسینی بیشتر است.

۲-۳- بصیرت در مقابل جهالت

در تمام نهضت‌ها اصل بصیرت و خردمندی در مقابل جهل و نادانی همواره دو عنصر اصلی سعادت در مقابل شقاوت اهل عالم بوده است. ژرف‌اندیشی و بصیرت امام حسین و یارانش در روشن نمودن مسیر درست حیات بشری از گمراهی‌های غفلت از جمله اصول استوار در آرمان و راه سیدالشهدا است. اگرچه روشنگری و آگاهی در برابر آن اندازه جهل و نادانی دشمنان، رسالت خطیری برای امام حسین (ع) و همراهانشان ایجاد کرد؛ آن شقاوت‌پیشگان کوردلی که به تعبیر سنگری «هم خدا ناشناس‌اند و هم امام ناشناس، حتی دشمن خود را که با وعده‌ها آنها را فریفته، نمی‌شناسند» (سنگری، ۱۳۸۱: ۱۳۹)؛ لذا به تعبیر «حسینی»: «هیچ مردمکی تکلیف روشنی را/ پیش-بینی نمی‌کرد/ تا اینکه در کتاب بصیرت/ رو به آفاق اشراق/ آن نگاه دوربرد باب روشنی گشود/ از آن روز/ بر چشم‌های قبیله/ گریه، مکروه/ خفتن، حرام/ و دیدن - عمیق دیدن- واجب عینی شد» (حسینی، ۱۳۷۱: ۷۰).

گر بر ستم قرون برآشفتم حسین بیداری ما خواست، به خون خفت حسین

(اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۱۰۷)

توصیه «حمیدزاده» به خوانندگان که چونان زینب پیام‌آور خون حسین باشند، به همین اصل بصیرت و بیداری در دوران رسالت امام حسین (ع) اشاره دارد:

همچنان زینب پیام‌آور شو از خون حسین کی تعقل می‌نمایی فکر آخر کی کنی

(حمیدزاده، ۱۰۴: ۱۳۸۴)

و تعبیر زیبا و خیال‌انگیز «باقری» در «خورشید جگر سوخته در مجمر عشق» که پرتوی از روشنگری، خردمندی و انوار بصیرت امام بر تاریکی شب جهالت ستمگران است، اشاره به همین بیداری و عاقبت‌نگری دارد:

تا شب نچکد از سر انگشت ستمگر خورشید جگر سوخته در مجمر عشق است
(باقری، ۱۳۹۰: ۳۲)

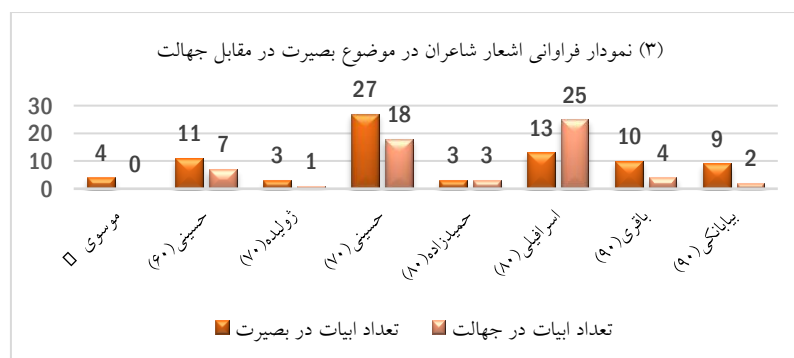
نیز پارادوکس زیبایی «بیابانکی» که در شب تار مصیبت آن امام همام، کرامت روشنگری و بیداری را می‌بیند، قابل تأمل است:

کرامت شب تار مصیبتش نازم که در دوات سیه‌روز من مرکب ریخت
(بیابانکی، ۱۳۹۱: ۳۷)

اما در مقابل انوار بصیرت و خردمندی امام، گمراهی و جهالت و کوردلی دشمنان تا بدانجا توصیف می‌شود که خورشید حقیقت را نمی‌بینند و وجودشان از چشمه‌سار وحدانیت بی‌بهره می‌ماند و این‌گونه است که دیدگان مانده در پشت حجاب غفلت، هرگز نمی‌تواند نور آفتاب حق و یقین را تأیید کنند:

چشمشان در رویت خورشید، کور جانشان از چشمه توحید، دور
چشم‌های مانده در پشت حجاب کی کند تأیید نور آفتاب
(اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۳۵ و ۵۷)

تا آنجا که به تعبیر حسینی: «نعره‌های رسا/ به دیوارهای ممتد خوردند/ و گلوهای تارک فریاد/ به تازیانه بغضی نامحدود/ حد می‌خوردند» (حسینی، ۱۳۷۱: ۲۰).



در نمودار بالا بیشترین اشعار به حسینی (دهه هفتاد) اختصاص دارد که به موضوع بصیرت پرداخته است. غیر از اسرافیلی که بیشتر به موضوع جهالت پرداخته، ذکر موضوع ارزشی بصیرت در شعر اغلب شاعران بسامد بالاتری دارد. بصیرت در شعر اسرافیلی، حسینی، باقری و بیابانکی بیشتر است. ضمن اینکه موسوی گرمارودی، ژولیده و حمیدزاده کمتر به این موضوعات پرداخته‌اند.

۲-۳-۴ دنیاگریزی در مقابل دنیاگرایی

نقطه آغاز حاکمیت یزید و برپایی قیام عاشورا را باید در دنیاطلبی، شهوت، قدرت و خودخواهی جستجو کرد (سنگری، ۱۳۸۸: ۳۰). در مقابل، عزت‌خواهی و آزادگی امام و یارانشان بیانگر نیازدگی و وانهادن تعلقات دنیایی و کسب رضای حق و رسیدن به حقیقت است. نکته‌ای که «بیابانکی» از آن تعبیر به «بیرون زدن از دریای هوس» می‌کند:

تشنه‌لب از لب دریای هوس بیرون زد نکشید از لب دریای ادب پرور دست
(بیابانکی، ۱۳۹۱: ۶۲)

و مراد موسوی گرمارودی از آن «زندگی دنیایی و مادی» است: «آه، ای مرگ تو معیار! / مرگ چنان زندگی را به سُخره گرفت / و آن را بی‌قدر کرد / که مُردنی چنان، / غبطه بزرگ زندگانی شد!» (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۴۱). «حمیدزاده» این تضاد فکری و عقیدتی در ترک دنیا و حب دنیا را به خوبی قرینه‌سازی کرده است. با تأسی به امام از یکسو به رهایی از دنیا پند می‌دهد و از دیگر سو با ذکر نمادین عمرسعد در دوستداری دنیا، به هشدارها و اندازهای امام به این واقعه تاریخی اشاره دارد: آنگاه که ابن‌سعد را مخاطب قرار می‌دهد که از مخالفتش دست بردارد و به یاری او پردازد؛ اما غوغای دنیاطلبی، آزمندی و آرزومندی حکومت ری، گوش او را کر و چشمش را کور می‌کند و در قلب سنگ او اثر نمی‌گذارد (ن.ک. سنگری، ۱۳۸۸: ۲۲۴)؛ لذا او نماد افرادی می‌شود که دنیاخواهی و قدرت‌طلبی چشم آنان را بر حقیقت بسته است و باید از آنان بر حذر بود:

پشت باید کرد بر لذات دنیا چون حیب نی چو ابن‌سعد رو بر حکم ملک ری کنی
(حمیدزاده، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

در جای دیگر همین قطب‌بندی را در شعر «اسرافیلی» می‌بینیم که راه حسینیان را از یزیدیان جدا می‌کند. یکسو سپاه سیدالشهدا قرار دارد که مظهر خداخواهی و از خودگذشتگی و وانهادگی دنیاست و دیگر سو سپاه یزید که مظهر خودپرستی و خودخواهی و دنیاطلبی:

آنطرف، برجیفه دنیا اسیر اینطرف، درچشم‌ها، دنیا حقیر
(اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۴۷)



در این نمودار بیشترین تعداد اشعار در موضوع دنیاگرایی اختصاص به اسرافیلی دارد و با اختلاف قابل توجهی این میزان در شعر حمیدزاده نیز بیشتر است. اما اسرافیلی و حسینی به موضوع دنیاگرایی پرداخته‌اند. ذکر موضوع عبرت‌انگیز دنیاگرایی در شعر شاعران دهه هشتاد بیشتر است. کمترین میزان، به باقری و ژولیده تعلق دارد.

۲-۳-۵ شهادت‌طلبی در مقابل رویای صله و قدرت دنیایی

یکی از مصادیق ترک دنیا شهادت‌طلبی و استواری امام و یارانشان بر حفظ ماهیت سربلندی و عزت نفس است. شهادت‌طلبی «الفبای برجسته نهضت عاشورا و از روحيات والای حسین بن علی (ع) و یارانش بود؛ یعنی مرگ در راه خدا دریچه‌ای برای وصول به قرب خدا و دیدن بهشت برین و شیفتگی و بی‌صبری برای درک فضیلت شهادت» (محدثی، ۱۳۸۵: ۴۲). خطبه تاریخی آن حضرت در ابتدای هجرت ایشان از مکه به عراق در خصوص زینب‌دگي مرگ استقبال از شهادت معروف است: «خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاه» مرگ برای آدمیان بسان گردنبنده بر گردن دختر زینبده و محتوم است (لوط بن یحیی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). عزت شهادت و شکوه آن و عزم استوار امام و یارانشان بر مرگ در راه حق و حقیقت در شعر آیینی معاصر موج می‌زند: «بر تالابی از خون خویش / در گذرگاه ایستاده‌ای / با جامی از فرهنگ / و بشریت رهگذار را می‌آشامانی / هرکس را که تشنه شهادت است، / هرکس را که تشنه حقیقت است» (موسوی‌گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۴۳).

نیلوفر عشق‌اند و با شوق شهادت گرد نهال سبز حق در پیچ و تاب‌اند
(حسینی، ۱۳۸۳: ۱۵)

در ساحت شیدایی هفتاد و دو خورشید پروانه بی‌بال و گل پرپر عشق است
(بـاقری، ۱۳۹۰: ۴۸)

«اسرافیلی» با تشبیهی تلمیح‌وار در بیان استقامت و پافشاری امام و همراهانشان بر سر حق و حقیقت تا رسیدن به مرز شهادت می‌گوید: اگر نمرودیان یزیدی آتش نیز بر سرشان ببارند، خلیل‌وار در شعله‌های جنگی نابرابر ایستادگی می‌کنند؛ بلکه همچون موج خود را به توفان ظلم و ستم می‌زنند و از دریای شهادت فاصله نمی‌گیرند:

شعله گر بارندشان نمرودوار بازهم گیرند در آتش قرار
من از این دریا نمی‌گیرم کنار می‌زنم خود را به توفان، موج‌وار
(اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۱۰ و ۳۰)

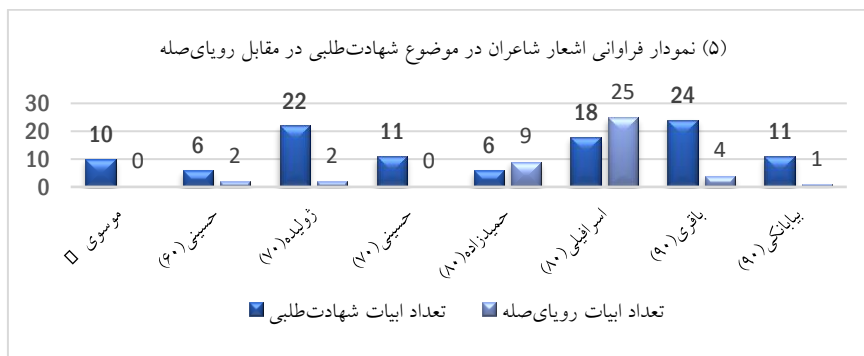
و چنان در این مسیر مقاومت و ایستادگی می‌کنند که هرگز تشنگی و اعمال خشونت یزیدیان نمی‌تواند آسمان پروازشان را پرپر کند:

هیئات که مقرض عطش بتواند پر پر کند آسمان پروازش را
(بـاقری، ۱۳۹۰: ۷۰)

در مقابل، مردم بی‌ایمانی که بهر حطام دنیایی به مخالفت با امام این اسوه حق و روشنگری پرداختند و در رویای رسیدن به صله و مقام دنیایی در برابر فرزند زهرا قدعلم کردند:

این طرف بستن بر وسوسه علقمه دل آن طرف بردن در حوضچه کوثر دست
(بیابانکی، ۱۳۹۱: ۶۲)

فردا بود روزی که بهر گندم ری گردد سر فرزند زهرا زینت نی
(ژولیده، ۱۳۸۳: ۱۲۵)



در نمودار بالا بیشترین تعداد اشعار در موضوع رویای صله متعلق به اسرافیلی و حمیدزاده است و بسامد شهادت طلبی به ترتیب اختصاص به باقری، ژولیده و اسرافیلی دارد. نیز با قدری اختلاف، این فراوانی در شعر حسینی، بیابانکی و موسوی گرمارودی بیشتر است.

۲-۳-۶ مرگ با عزت در مقابل زندگی ننگین

یکی دیگر از مبانی دنیازدگی و پشت پا زدن به تعلقات دنیایی، پذیرش مرگ با عزت و ترک زندگی ننگین است. «امام حسین(ع) با مرگ سرخ خویش بنیان‌های جامعه اسلامی را تحکیم بخشید و آن را با شالوده شرافت و فضیلت پی‌ریزی کرد و عدل و داد را معنا بخشید و مدرسه‌ای را بنیان نهاد که درس آن، تربیت الهی و عشق به حقیقت و فداکاری در راه کرامت‌های اخلاقی بود» (دانش، ۱۳۸۸: ۱۶۳). لذا به تعبیر خوشدل تهرانی اساس فلسفه شهادت آن امام همام در این پیام نهفته است:

بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

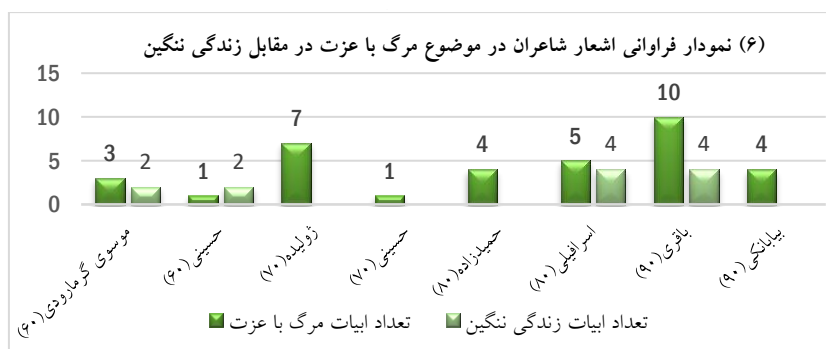
(آذر، ۱۳۸۸: ۵۶۴)

ظلم و ستم ناشی از حاکمیت یزید و ننگ بیعت با او که در حکم تأیید حکومتی جابرانه بود، سبب شد که امام هرگز زیربار این خفت و خواری نرود و با آگاهی به مقابله با مخالفان برخیزد و با آغوش باز مرگ را که از روحیه شهادت طلبی ایشان و یارانشان نشأت می‌گیرد، بپذیرد. خطبه حماسی ایشان در مسیر هجرت به کوفه مویده این موضوع می‌باشد؛ آنجا که می‌فرماید: «الا ترون ان الحق لا يعمل به و الی الباطل لایتناهی عنه، لیرغب المومن فی لقاء ربّه محققاً فانی لاری الموت الا سعادة و الحیوة مع الظالمین الا برماً» آیا نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل اجتناب نمی‌گردد؟ اینجاست که مومن باید در لقای پروردگار خویش مشتاق باشد که من مرگ را جز سعادت و زندگی

با ستمکاران را جز رنج و عنا نمی‌بینم (لوط بن یحیی، ۱۳۸۵: ۱۶۰). این موضوع از مفاهیم مورد توجه شاعر عاشورایی است که بیشتر با مرزبندی و قرینه‌سازی بدان اشاره کرده است:

دوراست ز ما تن به مذلت دادن	ما وارث خون سربداران هستیم
مرگ با عزت ز ذلت به بود در زندگی	این پیام آید ز لبهای دُرربار حسین
آن‌طرف، بازار ننگ و خفت است	این‌طرف «هیئات منالذله» است
برو که آب ببوید گلاب غنچه خون را	برو که زندگی از مرگ تو جوانه بگیرد

(حسینی، ۱۳۸۳: ۱۵۱)
(حمیدزاده، ۱۳۸۴: ۱۲۰)
(اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۴۶)
(باقری، ۱۳۹۰: ۴۸)



در نمودار فوق بیشترین تعداد اشعار در موضوع مرگ با عزت اختصاص به باقری و ژولیده دارد و پس از آن با اختلاف قابل توجهی میزان فراوانی در شعر اسرافیلی، بیابانکی و حمیدزاده بیشتر است. علاوه بر این ذکر هر دو موضوع در شعر تقریباً از یک میزان توازن برخوردار است. ضمن اینکه حسینی در دهه هفتاد و بیابانکی به موضوع زندگی ننگین پرداخته‌اند.

۲-۳-۷ عدالت محوری حسین در مقابل حکومت ظالم

ظلم‌ستیزی و مبارزه با ستمگران یزیدی ترجمان روح بزرگ و عدالت‌جوی حسینی است. «فداکاری برای اقامه عدل و داد و احیا و جریان‌سازی اخلاق الهی در جامعه، ارزشمندترین کار و بارزترین تکلیف الهی است» (دانش، ۱۳۸۸: ۱۶۴). یکی از انگیزه‌های مقدس آن امام همام در عدم بیعت با یزید، استقرار عدل و داد و متزلزل کردن کاخ ظلم و ستم بود. امام حسین (ع) با جانفشانی

خود و یارانش و تقدیم سر، بیرق دادخواهی را در جهان برافراشت. عدالت محوری و ظلم ستیزی از موضوعات بسیار شایع در ادب آیینی معاصر است: «خون آیه های دلاوریت را/ بر پوست کشیده صحرا نوشتی/ و نوشتارها/ مزرعه ای شد/ با خوشه های سرخ/ و جهان یک مزرعه شد/ با خوشه - خوشه خون/ و هرساقه:/ دستی و داسی و شمشیری/ و ریشه ستم را وجین کرد» (موسوی-گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۴۸).

با دیو سیاه شب درآویخته ایم در جام جنون باده خون ریخته ایم
(حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳۲)

بنیاد ستم منهدم از داد حسین است بر امت آزاد که آزاد حسین است
(ژولیده، ۱۳۷۶: ۱۴۵)

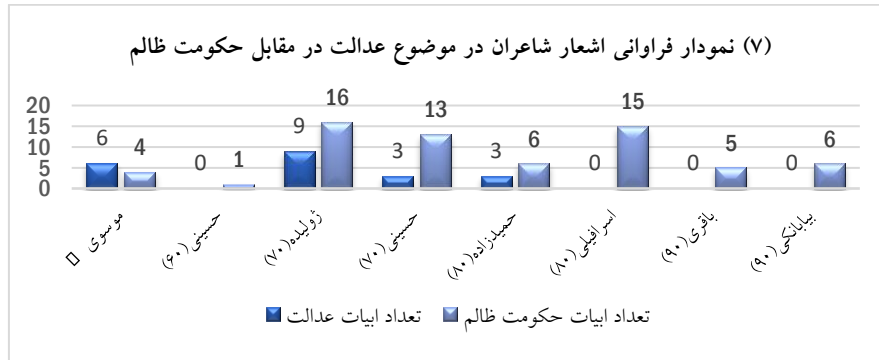
نقطه مقابل یاران امام، ستمگران یزیدی بودند که «اوج حماسه و قله تراژدی کربلا، از نهایت پلیدی و سنگ دلی آنان» (سنگری، ۱۳۸۸: ۴۳۱) شکل گرفت: «چراغ که خاموش شد/ دندان های حریصتان/ و قیحانه درخشید/ و دلهايتان در تاریکی/ کلمات عادل را برنتابید» (حسینی، ۱۳۷۱: ۸۹) تا حدی که خیانت و تزویر آنان به غایت خود رسید و «از کران تا کران گذشت»:

شیرازه کتاب مروت ز هم گسست ظلم ستمگران ز کران تا کران گذشت
(ژولیده، ۱۳۷۶: ۲۸۲)

و در شقاوت و تبه کاری بدانجا رسیدند که از فرط جنایت دست شیطان را هم بستند:
شقاوت بین، تبه کاری نگر، ذلت تماشا کن که می بندند از فرط جنایت دست شیطان را
(همان، ۱۳۸۳: ۱۴۷)

باقری این نابرابری را با بیان استعاری تصویر می کند؛ یک آینه و یک زنبق استعاره از قلت یاران امام است و سی هزار سنگ انداز و سنگ خارا استعاره از تعدد سپاه دشمن است و تضاد فوق العاده خیال انگیز آینه و سنگ خارا، این نابرابری را چه زیبا به تصویر می کشد و اینجاست که رشادت و ایستادگی یاران امام در برابر انبوه ستم دشمنان معنای واقعی خود را نشان می دهد:

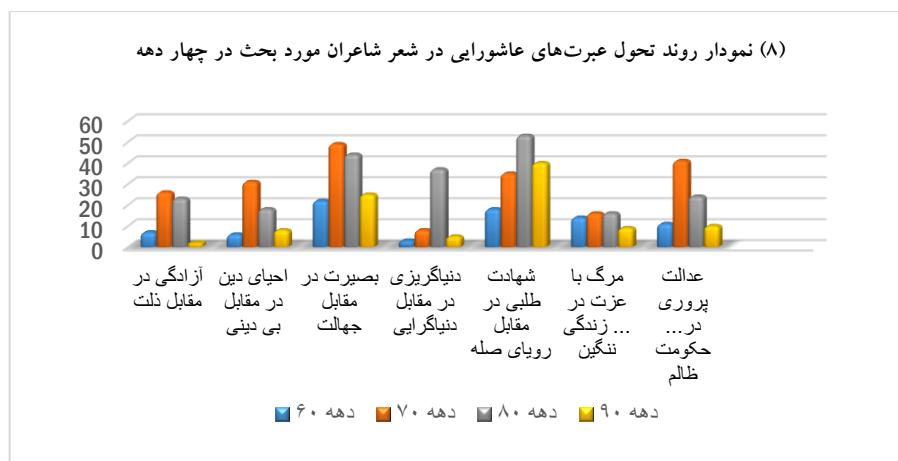
یک آینه، سی هزار تن سنگ انداز یک زنبق، سی هزار سنگ خارا
(باقری، ۱۳۹۰: ۳۹)



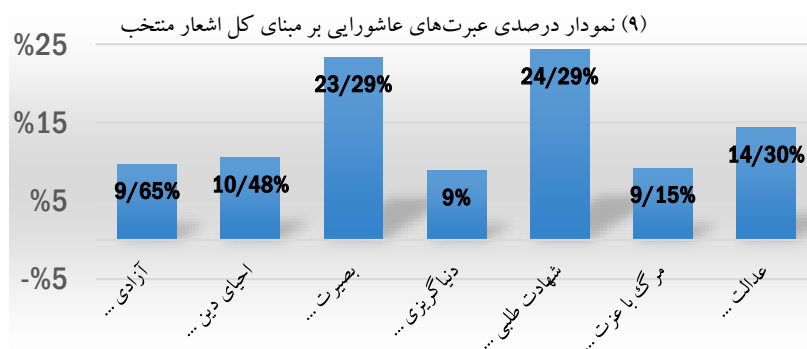
در نمودار بالا بسامد اشعار بیشتر شعرا در موضوع حاکم ظالم بیش از موضوع عدالت است. از این میان ژولیده، اسرافیلی و حسینی بیش از بقیه به این موضوع پرداخته‌اند و پس از آن با اختلاف قابل توجهی میزان فراوانی در شعر بیابانکی، حمیدزاده، باقری و موسوی گرمارودی بیشتر است. ضمن اینکه بسامد اشعار ژولیده و موسوی گرمارودی در موضوع عدالت از دیگران بیشتر است.

۴-۲- نمودار کلی عبرت‌های عاشورایی

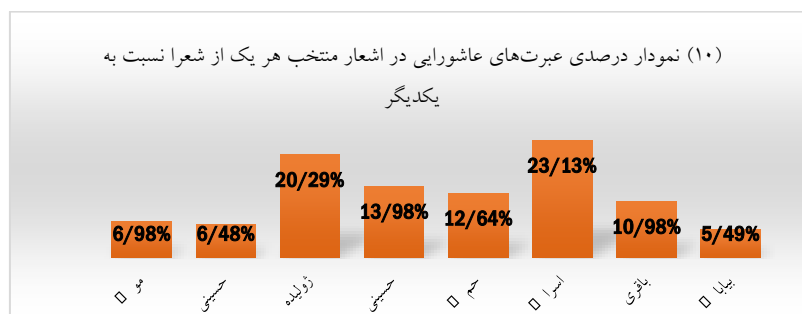
روند تحول عبرت‌های عاشورایی در چهار دهه (نمودار شماره ۸) نشان می‌دهد که در تقریباً بسامد تمامی موضوعات مثل آزادگی در برابر ذلت، احیای دین در برابر رواج بی دینی، بصیرت در برابر جهالت و... در دهه هفتاد و هشتاد بیش از دهه قبل و بعد از آن است. تنها موضوع شهادت طلبی در مقابل رویای صلح هست که در دهه نود روند صعودی دارد و بسامد موضوع مرگ با عزت در برابر زندگی ننگین در سه دهه اول روندی یکسان دارد و در دهه نود سیر نزولی یافته است:



نمودار شماره ۹ نشان می‌دهد که از میان ۶۰۱ بیت برگزیده، موضوعات شهادت‌طلبی در مقابل رویای صله و بصیرت در مقابل جهالت به ترتیب بالاترین بسامد را در شعر این شاعران دارد و پس از آن موضوعات عدالت در مقابل حکومت ظالم و احیای دین در مقابل رواج بی‌دینی به ترتیب از محورهای مورد توجه شاعران در این چهار دهه بوده است. آزادی...، مرگ با عزت... و دنیاگریزی... تقریباً با بسامدی یکسان در شعر شاعران مورد مطالعه یافته شد.



بر اساس نمودار شماره ۱۰ بیشترین کاربرد عبرت‌های عاشورایی به ترتیب در شعر اسرافیلی و ژولیده و با اختلاف قابل توجهی در شعر حسینی، حمیدزاده و باقری ملاحظه می‌شود. عبرت‌ها در شعر موسوی گرمارودی، حسینی دهه شصت و بیابانکی نسبتاً کمتر به کار رفته‌است. کمیت اشعار در موضوعات فوق بیانگر علاقه، نگرش و دیدگاه شاعر به ارزش‌های خاص عاشورا است.



۳- نتیجه

نمودارهای موضوعی شماره ۱ تا ۷ نشان می‌دهد پیام عبرت‌انگیز حکومت ظالمانه یزیدی در بین همه شاعران بسامد بیشتری نسبت به پیام ارزشی عدالت‌محوری دارد. یعنی در نگاه شاعر امروز اوج‌گیری ظلم و ستم از اصلی‌ترین عوامل بروز حادثه عاشورا است. دیگر اینکه اسرافیلی بیش از

دیگران به موضوعات منفی نظر داشته است و بیشترین بسامد موضوعی او به ترتیب جهالت، دنیاگرایی، حکومت ظالم، رویای صله، رواج بی‌دینی و ذلت می‌باشد. به نظر می‌رسد محور فکری او بیشتر بر تأثیر جنبه‌های منفی در برپایی قیام عاشورا استوار است و از این طریق با تأکید بر ارزش‌های منفی در شعر خود راه روشن قیام امام حسین را برای مخاطب بهتر تبیین می‌کند. نمودار شماره ۸ حاکی از آن است که تقریباً اوج‌گیری ارزش‌های عاشورایی در دهه هفتاد و هشتاد بیش از دو دهه دیگر است. به نظر می‌رسد شعر آیینی به لحاظ محتوایی در دوره پختگی انقلاب اسلامی غنای بیشتری یافته است. تنها موضوع شهادت‌طلبی است که در دهه نود روندی رو به رشد دارد. این نکته نشان می‌دهد که ارزش موضوع شهادت در دهه‌های پس از انقلاب بیشتر مورد توجه شاعران و مخاطبان آنان است. پرکاربردترین مضمون عبرت‌های عاشورایی (نمودار شماره ۹)، شامل شهادت‌طلبی در مقابل رویای صله با ۲۴/۲۹٪، بصیرت در مقابل جهالت با ۲۳/۲۹٪، عدالت در مقابل حکومت ظالم با ۱۴/۳۰٪ و احیای دین در مقابل رواج بی‌دینی با ۱۰/۴۸٪ است که به ترتیب بیشترین تأثیر را بر شاعران مورد مطالعه داشته است. بسامد موضوعات آزادی ... با ۹/۶۵٪، مرگ با عزت ... با ۹/۱۵٪ و دنیاگرایی ... با ۹٪ به میزان تقریبی یکسانی در شعر شاعران کمتر از دیگر موضوعات یافت شد. می‌توان دریافت که پیام اصلی امام حسین (ع) حفظ آرمان شهادت، بیداری امت، برپایی عدالت و خداجویی بوده است و این نکته به درستی در نگاه شاعر امروز جا افتاده است. نمودار شماره ۱۰ نشان می‌دهد اسرافیلی با ۲۳/۱۳٪، ژولیده با ۲۰/۲۹٪، حسینی با ۱۳/۹۸٪، حمیدزاده با ۱۲/۶۴٪ و باقری با ۱۰/۹۸٪ بیشترین میزان عبرت‌های عاشورایی را در شعر خود به کار برده‌اند و این میزان در شعر موسوی‌گرمارودی با ۶/۹۸٪، حسینی دهه شصت با ۶/۴۸٪ و بیابانکی با ۵/۴۹٪ نسبتاً کمتر به کار رفته است. بر این اساس می‌توان دریافت که نگاه شاعر آیینی امروز به عاشورا تنها نگاه عاطفی و احساسی نیست؛ بلکه نگاهی است از روی بصیرت و آگاهی. دست‌آورد دیگر این‌که صفات مثبت و منفی همان‌گونه که در نهایی‌ترین شکل خود در عاشورا رویاروی یکدیگر قرار می‌گیرد، در شعر آیینی امروز نیز در نهایت اوج و فرود توصیف می‌شود. شاعر مرز بین آزادگی و ذلت، بصیرت و جهالت، عدالت و ستم را در عمیق‌ترین لایه‌های آن توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که حادثه عاشورا فصل‌الخطاب ارزش‌ها و ضدارزش‌هاست.

۴-منابع

۱. آذر، امیراسماعیل، شکوه عشق، تهران: سخن، ۱۳۸۸.
۲. اسرافیلی، حسین، شرحه شرحه آتش، تهران: خورشیدباران، ۱۳۸۳.
۳. اصفهانی، راغب، المفردات الفاظ قرآن، ترجمه خسروی، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۳.
۴. انصاری، نرگس، عاشورا در آینه شعر معاصر: بررسی و تحلیل شعرهای عاشورایی (فارسی-عربی)، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۹.
۵. باقری، عباس، نام دیگر دریا، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۰.
۶. بیابانکی، سعید، جامه دران، چاپ دوم. تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۱.
۷.، نامه های کوفی، چاپ دوم. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۱.
۸. حسینی، سید حسن، گنجشک و جبرئیل، تهران: نشر افق؛ ۱۳۷۱.
۹.، هم صدا با حلق اسماعیل، چاپ ششم. تهران: سوره مهر، ۱۳۸۳.
۱۰. حمیدزاده عطار، احمد، گلبرگ های عاشورا، مشهد: جلیل، ۱۳۸۴.
۱۱. دانش، شکرالله، عاشورا بعثتی دوباره (تحلیل تربیتی و اخلاقی عاشورا)، تهران: بنفام، ۱۳۸۸.
۱۲. رضوانی، اباصلت، «تأثر عمیق نهضت عاشورا بر ادبیات»، روزنامه خراسان شمالی، ۲۶ دیماه، ش ۱۷۱۷۹، ۱۳۸۷.
۱۳. ژولیده نیشابوری، حسن، *ای چشم ها بگریید*: اشعار مذهبی، چاپ چهارم. تهران: سنائی، ۱۳۷۸.
۱۴.، *ای قلب ها بسوزید*: اشعار مذهبی، چاپ ششم. تهران: سنائی، ۱۳۷۶.
۱۵. سنگری، محمدرضا، *آینه در کربلاست*، چاپ دوم، تهران: قدیانی، ۱۳۸۸.
۱۶. سیدی، سیدحسن و هوشنگ استادی، «*تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعی*»، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۸۲-۱۴۹، ۱۳۸۸.
۱۷. لوط بن یحیی، ابو مخنف، *مقتل الحسین (ع) ابو مخنف (وقعة الطف)*، ترجمه علی محمد موسوی جزایری، قم: انتشارات امام المنتظر. ۱۳۸۵.

۱۸. مجاهدی، محمدعلی، *شکوه شعر عاشورا*، قم: مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۹. محدثی، جواد، «شعر شیعی». خردنامه همشهری. شماره ۳۶. ص ۱۷، ۱۳۸۳.
۲۰.، *فرهنگنامه عاشورا*، چاپ پنجم. قم: معروف، ۱۳۸۵.
۲۱. مطهری، مرتضی، *حماسه حسینی (۱)*، چاپ دوم. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۳.
۲۲. مقدسی، ابوالحسن امین و زهرا بهشتی، «بررسی شعر عاشورایی در دو ادب فارسی و عربی با تکیه بر شعر شهریار و جواهری»، نشریه ادبیات پایداری، سال چهارم، شماره ۷، صص ۹۴-۵۹. ۱۳۹۱.
۲۳. موسوی گرمارودی، علی، *خط خون*، تهران: گلشن، ۱۳۶۳.
۲۴. نظری، نجمه و صغری سادات جعفرنیا، «انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه‌های شعر دفاع مقدس»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال سوم، ش اول، صص ۷۷-۶۱. ۱۳۸۹.